



شماره ۳۳۵، دوره هشتم،
سال هفتم، ۸ آبان ۱۳۶۹

در "قلب تپنده اسلام" فقر در يك قطب و ثروت در قطب ديگر

روزنامه "کیهان" درستون "یادداشت" ۱۵ مهرماه ۶۹ باز هم مقاله ای درباره ضرورت "وحدت امت مسلمان" نوشته است. در این مقاله می خوانیم: "... به هوش باشیم که ایران قلب تپنده اسلام و کانون انقلاب است. مسلمانان جهان محرومین سراسر عالم نگران موضع گیریهای ما هستند" و الی آخر.

ادامه در ص ۲

قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

درباره وضع کشور و وظایف
حزب کمونیست اتحاد شوروی
در رابطه با

گذار اقتصاد به مناسبات بازار

(خلاصه شده)

ص ۸

در لبنان چه می گذرد؟

ص ۸

چرا بهای نفت افزایش یافت؟

ص ۲

یادواره

رفیق شهید:

فیروز همجوار

ص ۴

باید دست به دست هم وارد عرصه عملی مبارزه شد

تا زمانی که رویای ارجاعی و ضد دمکراتیک کنونی اداره امور را به دست دارد و از مکانیسم ترور و اختناق بهره می گیرد، ناپسامانی عمیق اجتماعی - اقتصادی به تنهایی قادر به فروپاشی آن نخواهد شد. بار دیگر تکرار می کنیم، تا زمانی که همه ما دست به دست هم ندهیم، رژیم علیرغم عدم ثبات و تلاشی اقتصادی و مالی با کمک درآمد نفت بوسر پا خواهد ایستاد. نباید در انتظار دست غیب ماند، باید بدون تاخیر متحدا وارد عرصه عملی مبارزه شد.

آزار و اعدام قطع نمی شود. همه اینها نه نشانه قدرت، بلکه مبین ضعف رژیم و ترس و وحشت آن از مخالفان خود است.

آری رژیم "ولایت فقیه" به عنوان يك مکانیسم عمیقاً استبدادی با پوشش مذهبی، به عنوان دشمن سرسخت هرگونه آزاداندیشی و دگراندیشی در جامعه که حتی تحمل مسلمانان مخالف خود را هم ندارد، با عصر انقلاب علمی و فنی طالب آزادی اندیشه و بیان و پژوهش و تحلیل و ابتکار، در تضاد آشکار قرار دارد.

ادامه در ص ۲

"نامه مردم" کوشیده تا آنجا که می تواند معضلات جامعه را با زبانی ساده مورد بررسی دقیق و همه جانبه قرار داده و نتایج لازم نیز برای حال و آینده بگیرد. بدون تردید، نتایج حاصله محصول بررسی ماست و به هیچ وجه نباید آنها را یکبار برای همیشه قطعی و غیرقابل تغییر دانست. زیرا، هیچ کس حقیقت مطلق را در انحصار ندارد. اما، تحلیل گر، همیشه باید ارقام و اسناد موجود را بدون دخالت دادن نظرات سیاسی خود، مورد حلاجی قرار دهد. ازاینرو، وقتی ما می گوئیم رژیم اقتصاد کشور را دچار بیماری مزمن کرده و شیرازه امور مالی را از هم گسسته، از اینجا نیز نتیجه می گیریم که رژیم "ولایت فقیه" در مجموع خود دچار بحران ساختاری و فاقد ثبات سیاسی - اقتصادی است، بر زبان گویای ارقام، آنهم ارقام رسمی اسناد می کنیم.

آیا وجود بحران و بی ثباتی رژیم به معنای ریزش بخودی - خود آن می تواند باشد؟ البته نه!

هر حکومتی هر قدر پوسیده و دچار بحران، بدون مبارزه - مبارزه متشکل و متحد و پیگیر، می تواند به حیات خود ادامه دهد. رژیم "ولایت فقیه" صدها هزار تن افراد مسلح در اختیار دارد و دستگاه جاسوسی آن می کوشد تا به هرجایی رخنه کند. البته "بازوی مسلح" رژیم هم فاقد انسجام درونی است و وجود جناح های گوناگون در حاکمیت از برایی آن به مراتب می کاهد. در عین حال، رویکردانی توده های وسیع مردم از رژیم، حیطة عملکرد ارگان های سرکوبگر را محدود می سازد. ولی با اینهمه، مکانیسم ترور و اختناق رژیم هنوز عمل می کند. شوهای تلویزیونی ادامه دارد. زندانها انباشته از نمایندگان احزاب و سازمانهاست. شکنجه و

"خواری مالی اداری" ره به جایی خواهد بود؟

مهندس رضوی، معاون رئیس جمهور، "برای اولین بار به منظور اصلاح ادارات دولتی و مقابله با بوروکراسی، شورای عالی اداری که ریاست آن را رئیس جمهوری به عهده دارند بزودی تشکیل می شود" (کیهان ۶/۱۵/۶۹).

دستگاه اداری بوروکراتیک به ارث مانده از رژیم گذشته نیازمند دگرگونی بنیادی بود. اینک پس از گذشت نزدیک به دوازده سال دستگاه اداری غرق در بوروکراسی و رشوه خواری است و نیاز جامعه به رشد و پیشرفت و ترقی در چمبره نظام حاکم و دستگاه متعجب اداری آن چنان اسیر است که در جامعه حالت انفجاری پدیدار گشته است.

يك سال پیش رضوی، معاون رئیس جمهور و رئیس امور اداری و استخدامی اعلام داشت: "مهاجنگی کلیه ادارات در ایجاد تحول در سیستم ها و روش های اداری مقابله شدید دولت با فساد اداری، ایجاد عدم تمرکز اداری به منظور تسریع جریان امور ادارات و نیز ارائه لایحه تحول اداری به مجلس شورای اسلامی برای ایجاد شورای عالی اداری ضرورت دارد" (کیهان ۶/۲۱/۶۹).

ادامه در ص ۵

زنده باد آزادی و صلح ، طرد باد رژیم "ولایت فقیه" !

چرا بهای نفت افزایش یافت؟

جالب است که درست چهار روز پس از حمله عراق به کویت یعنی هنگامی که هنوز هیچگونه کمبود نفتی در بازار به چشم نمی خورد، انحصارهای نفتی قیمتها را بالا بردند

منتشر ساخت. وزارت دادگستری آمریکا از افشای اینکه درباره کدام شرکت نفتی بررسی آغاز شده، خودداری می کند. احدی از اطلاعات پیشگفته خبری ندارد و بعید به نظر می رسد که همه آنها در اختیار افکار عمومی گذارده شود. به نوشته مطبوعات فقط پس از انتشار گزارش مالی انحصارها و شرکت های نفتی می توان تا اندازه ای به حقایق مربوط به نتیجه افزایش قیمت فرآورده های نفتی پی برد. تردیدی نیست که سود شرکتها بیش از پیش افزایش یافته است. طبق برآوردی، سود حداقل چهار انحصار بزرگ آمریکایی در مقایسه با ماههای مشابه سال پیش، حدود ۴۰ درصد افزایش نشان خواهد داد.

آیا انحصارها سود واقعی خود را منتشر خواهند کرد؟ "نیویورک تایمز" می نویسد که انواع شیوه ها برای پنهان کردن سود واقعی وجود دارد. یکی از آنها عبارتست از انتقال بخشی از سود به بنیادهای خیریه موجود در جنب همه انحصارهای نفتی. این پولها به موجب قانون به عنوان سود شناخته نمی شوند و مبلغ آنها نیز انتشار نمی یابند.

افزایش بی منطق بهای نفت خام و مالا فرآورده های نفتی در سراسر جهان با وجود افزایش تولید نفت در همه کشورهای نفت خیز، بویژه در عربستان سعودی تا ۸ - ۷/۵ میلیون بشکه در روز و اعلام کشف ذخایر جدید عظیم نفت در همان کشور، بیانگر آن است که مکانیسم عملکرد "بازار آزاد" به معنای رقابت در بورس فروش نفت تابع هیچ منطق و قانونمندی نیست. بنابراین، افزایش بی رویه و کاهش بی رویه تر بهای نفت خام را در پی خواهد داشت. اما، اینکه بهای فرآورده های نفتی و از جمله بنزین دوباره به سطح اوایل اوت سال ۱۹۹۰ برسد، زیر علامت سوال است.

سیر صعودی بهای نفت خام در بازار جهانی در ارتباط با تجاوز عراق به کویت و در صورت ادامه آن صدمات زیادی به اقتصاد نه تنها کشورهای جهان سوم، بلکه به همه جهان وارد خواهد ساخت. افزایش سریع و ناگهانی بهای نفت تا سطح بشکه ای ۴۰ دلار با وجود توازن عرضه و تقاضا در بازار، غیرمنطقی است. به همین سبب می توان پرسید علت این روند چیست؟

ما، در تحلیلی که در "نامه مردم" منتشر ساختیم، پس از ارائه آمار مربوط به تولید و عرضه نفت به بازار و اشاره به غیرمنطقی بودن سیر صعودی بهای نفت و فرآورده های آن، انحصارهای نفتی و دلالتان نفت را عامل اصلی افزایش بهای نفت معرفی کردیم.

چند روز پیش وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا برای پیدا کردن علل و عوامل افزایش قیمت، از انحصارهای نفتی و شرکت های عمده فروشی نفت خام خواست تا اطلاعات دقیق درباره شرایطی که آنها تصمیم به بالا بردن قیمت نفت گرفته اند، در اختیار وزارتخانه بگذارند. به نظر وزارت دادگستری تجاوز عراق به کویت جز بهانه ای برای افزایش مصنوعی بهای نفت نبوده است.

جالب است که درست چهار روز پس از حمله عراق به کویت یعنی هنگامی که هنوز هیچگونه کمبود نفتی در بازار به چشم نمی خورد، انحصارهای نفتی قیمتها را بالا بردند. طبق اخبار منتشره، انحصارها و شرکت های عمده فروشی آمریکا اطلاعاتی در اختیار وزارت دادگستری گذارده اند. مسئولان وزارت دادگستری می گویند این اطلاعات را باید با اسناد و مدارک سری انحصارها و شرکتها مقایسه کرد و سپس آن را

باید دست به دست ...

در کشوری که تقریباً هیچ يك از مفاد مصرح در اعلامیه حقوق بشر عمل نمی کند، چگونه می توان از پیشرفت مورد نیاز مردم و میهن سخن به میان آورد؟ فراموش نکنیم که خمینی هنوز قبل از قبضه کردن انحصاری حاکمیت مراعات بند - بند اعلامیه حقوق بشر را وعده می داد. ولی سیر رویدادها باردیگر این حقیقت را به اثبات رساند. در رژیمی که با روایات واحادیث و... اداره می گردد، البته جایی برای مراعات موازین حقوقی و انسانی نمی تواند وجود داشته باشد.

در شرایط حکمرانی رژیم استبداد مذهبی قرون وسطایی، کارشناسان نمی توانند آشکارا و یا قاطعیت دیدگاههای اجتماعی - اقتصادی برون رفت از بحران ساختاری دامنگیر جامعه را مطرح سازند. می دانید چرا؟ زیرا حل مضللات دامنگیر جامعه ما، به برخورد میهن دوستانه از سوئی وانسان گرایانه از سوی دیگر نیاز مبرم دارد. و این هر دو با خصلت عمیقاً ارتجاعی "ولایت فقیه" سازگار نیست. درست به همین دلیل، قتر و بیکاری، فساد و دزدی و رشوه خواری، کمبود و غارت، اعتیاد و دزدی و دهها درد بی درمان سلامت جامعه را تهدید می کند.

وقتی بهای نفت خام، در نتیجه تجاوز عراق به کویت و عکس العمل بیسابقه ایالات متحده و متحدانش در "ناتو" سیر صعودی داشت، پاره ای از محافل سیاسی اپوزیسیون این حادثه را به مثابه تقویت رژیم ارزیابی کردند. خود رژیم هم کوشید تا از آن بهره برداری تبلیغاتی کند. در همان روزها که بهای نفت به سطح ۴۰ دلار در هر بشکه نزدیک می شد، یعنی سیر صعودی داشت، ما، در "نامه مردم" نوشتیم: این روند که محصول مانور دلالتان بزرگ در بازار نفت است، نمی تواند تاثیر چشمگیری در سرنوشت رژیم داشته باشد. باید گفت، در واقع هم مشکلات کشور ما در آستانه گذار بشریت به سده بیست و یکم، به اندازه ای عظیم است که نمی توان با افزایش چند صد میلیون دلار به بودجه فائق هسته منطقی و علمی وتورم زای رژیم، گرهی از آنها گشود.

ایران نیاز به تحول بنیادی در زیربنای دارد تا بتواند به خصلت تک کالایی اقتصاد، به خصلت عمیقاً وابسته صنعتی و... پایان دهد. چنین تحول کیفی از لحاظ ماهیت، بدون استقرار یک رویهای کاملاً دموکراتیک متکی بر ائتلاف ملی در سطح کشور امکان پذیر نیست. همه ما، بدون استثناء با این حقیقت آشنائی داریم. آنچه درباره اش کم اندیشیده ایم، چگونگی دستیابی به تغییر کیفی زیربنای رویناست.

تا زمانی که رویهای ارتجاعی و ضد دموکراتیک کنونی اداره امور را به دست دارد و از مکانیسم ترور و اختناق بهره می گیرد، ناپسامانی عمیق اجتماعی - اقتصادی به تنهایی قادر به فروپاشی آن نخواهد شد. آنهایی که خواهان ایجاد جبهه واحد نیروهای اپوزیسیون دموکراتیک هستند و ضرورت ائتلاف ملی را مطرح می سازند، به درستی به حربه اصلی نجات جامعه از منجلاب قتر و بدبختی پی برده اند. بار دیگر تکرار می کنیم: تا زمانی که همه ما دست به دست هم ندهیم، رژیم علیرغم عدم ثبات و تلاشی اقتصادی و مالی با کمک درآمد نفت پُرسو پا خواهد ایستاد. نباید در انتظار دست غیب ماند، باید بدون تاخیر متحداً وارد عرصه عملی مبارزه شد.

در "قلب تپنده اسلام" فقر در يك طرف و ثروت در طرف ديگر

سوءتغذیه هستند. گزارشگر "کیهان" می نویسد: "وقتی از مردم در زمینه کمبود مواد غذایی برای خانوارهای کم درآمد سوال می کنیم، ناخودآگاه به سراغ فاصله میان خود و صاحبان درآمدهای هنگفت می روند."

آری چنین است وضع در کشوری که روحانیون حاکم و مبلغان آنان می خواهند "بهشت برین" و "قلب تپنده اسلام" نام گذاری نمایند. آیا می توان با اینگونه تبلیغات میان تهی انسانها را فریب داد؟

در نامه ای که یکی از دوستان و هواداران مبارز حزب به "نامه مردم" نوشته از جمله می خوانیم:

"اگر کلا قضاوتی براساس آنچه واقعا در ارتباط با مردم امروز ایران می بینیم، ارائه دهیم می توان گفت که اکثر مردم از جمله روشنفکران مذهبی و غیرمذهبی قلبا خواهان جدایی دین از امور حکومتی هستند... اکنون حتی در میان کسانی که ظاهرا از مزایای حکومتی استفاده می کنند ناراضیاتی هایی دیده می شود. پاسداران معمولا دارای حقوقی از ۵ تا ۸ هزار تومان هستند. خانواده آنها هم از نظر معیشت همان مشکلات را دارند. فرزندانشان برای اینکه پدرانشان پاسدارند، رنج می برند، تحقیر می شوند (از جانب مردم). به خانواده شهدای جنگ مقرری ناچیزی پرداخت می شود و موارد متعدد فحشا و تن فروشی در میان آنها دیده می شود."

نتیجه چیست؟ جدایی مردم از روحانیت و حتی مذهب. "کفرگویی علنی در میان مردم رایج است... آنها از مردم بعضی کشورها که دارند به اسلام علاقمند می شوند تعجب می کنند... و می گویند آنها هنوز بلایی که سرما آمده است بر سرشان نیامده است تا بدانند آخوند و "ولی قتیبه" یعنی چه؟" تجربه ایران باردیگر نشان داد که حتی با سوء استفاده از باورهای مذهبی نمی توان میلیونها انسان را برای همیشه فریب داد.

بخش عمده درآمد صرف اجاره خانه می شود. طبق برآورد منتشره در روزنامه "کیهان" متوسط کل هزینه سالیانه مواد غذایی و دخانی برای خانوارهایی که کل هزینه سالانه شان بین ۱۲ تا ۲۴ هزار تومان بوده است - ۹۹۱۴ تومان، برای خانوارهایی دارای هزینه سالانه بین ۲۴ تا ۳۶ هزار تومان - ۱۷۶۰۹ تومان، برای خانوارهای دارای هزینه سالیانه از ۳۶ تا ۴۸ هزار تومان - ۲۴۷۵۵ تومان، برای خانوارهای دارای هزینه سالانه بین ۴۸ تا ۶۰ هزار تومان - ۳۱ هزار تومان.

بدینسان حتی خانوارهایی که ماهانه حداکثر ۵ هزار تومان هم هزینه داشته اند، از نظر مواد غذایی مصرفی (روزانه بطور سرانه ۱۸۰ ریال) در تنگنا و مضیقه بوده اند. گزارشگر "کیهان" می نویسد:

"اگر توجه کنیم که عده زیادی از حقوق بگیران پس از کسر هزینه های عمده غیرخوراکی، نظیر هزینه مسکن، از حقوقشان شاید همین مبلغ ۱۸۰ ریال در روز را هم نتوانند به هزینه خوراکی خانوارشان اختصاص دهند، بنابراین، این گروه نیز به ۲۲ میلیون نفر افزوده می شوند."

یکی از کارمندان می گوید: "کارمندان دولت در حال حاضر از جمله افرادی هستند که صورتشان را با سیلی سرخ نکه می دارند و اگر یک بررسی به عمل بیاید، مشخص می شود که چه تعداد از فرزندان همین کارمندان، دچار

نویسنده "کیهان" مسائل زیادی را در این نوشتار بی پاسخ گذارده است. مثلا، "مسلمانان جهان" چگونه می توانند يك حکومت استبدادی و قاتل هزاران انسانی بی گناه را به عنوان "قلب تپنده" اسلام بپذیرند؟ در کشوری که شخصیت زن لکدمال می شود و انسانها را فقط بخاطر داشتن عقاید و نظرات مخالف سران رژیم روانه سیاهچالها می کنند و به جوخه های اعدام می سپارند، چگونه می توان از اسلام واقعی طرفدار عدالت سخن به میان آورد؟ نه آقایان، هیچ مسلمان دارای عقل سالم و با وجدان پاک و آگاه از جنایات شما، نمی تواند نگران "وضع گیریهای" شما باشد.

کشوری که در آن انسانها هر روز بیشتر در منجلاب فقر و مکتد و بیکاری فرو می روند، نمی تواند به "قلب تپنده اسلام" تبدیل گردد. در همان شماره "کیهان" در صفحه ۵، گزارشی در باره حداقل سرانه مواد غذایی در جمهوری اسلامی درج شده که جالب است. زیرا مواد غذایی و میزان مصرف سرانه آن یکی از شاخص های مهم تعیین سطح فقر و یا رفاه در کشور است.

کارشناسان ایرانی حداقل هزینه سرانه مواد غذایی در روز را ۱۸۰ ریال تعیین کرده اند. به نوشته "کیهان" طبق آمار سال ۱۳۶۵ حدود ۲۲ میلیون نفر ایرانی در مرکز "قلب تپنده اسلام" توانسته اند به این مقدار از مصرف غذایی دست یابند.

همه می دانند که اکثر کارگران و زحمتکشان ماهانه درآمدی میان ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان بیشتر ندارند. به موجب برآورد کارشناسان، خانوارهایی (بعد خانوار ۵ نفر) که هزینه مواد غذایی آنها ماهانه کمتر از ۲۷۰۰ تومان و سالانه کمتر از ۳۴ هزار و ۴۰۰ تومان می باشد، حتی کمتر از حداقل هزینه مواد غذایی در نظر گرفته شده، مصرف می کنند.

البته، خانوارها نمی توانند همه درآمد خود را صرف مواد غذایی کنند. در "قلب تپنده اسلام"

بخش هایی از يك گزارش روزنامه کیهان

"... شاید بسیاری از این دانش آموزان به دلیل سن کم و عدم آشنایی به میزان دخل و خرج خانواده متوجه این موضوع نشوند که سرپرست خانواده در حال حاضر در چه اضطراری به سر می برد... سرپرست خانواده، اکنون خود را موظف می داند که این حداقل وسایل ضرور تحصیلی را برای فرزندش تامین کند. شاید عده قلیلی از این بابت دغدغه خاطر نداشته باشند... فروشگاههای بزرگ دولتی و وابسته به دولت لوازم التحریر را به قیمتی یکسان و با افزایش ۳۰ درصد به قیمت آن

از مطبوعات مجاز

هزینه در بر داشته است و اگر در يك خانواده ۴ نفر از اعضای آن به مدرسه بروند در شهریور ماه امسال سرپرست خانواده باید حدود ۲۰ هزار تومان به این امر اختصاص دهد."

کارمندی می گوید: "... امسال برای ثبت نام آنها (۴ فرزندش) آموزش و پرورش منطقه ۱۴ مبلغ زیادی به عنوان شهریه از ما گرفته است. مثلا برای فرزندم که در دوره نظری مشغول تحصیل است گفته اند که باید ۵۰ هزار ریال بدهی و این کمترین مبلغی است که ما هنگام ثبت نام دانش آموزان گرفته ایم. متوسط آن مبلغ ۵۰۰ هزار ریال می باشد" (کیهان ۶۹/۳۱).

به بازار آزاد عرضه می کنند... خیرنگار ما در گزارش خود می نویسد: "در فروشگاه شهر و روستا با يك حساب سر انگشتی متوجه می شوم که متوسط مخارج يك دانش آموز برای اولیای او در اول سال تحصیلی چقدر سنگین است و از عهده خانواده هایی که چندین دانش آموز دارند، خارج است. بطور مثال قیمت يك کیف مدرسه بطور متوسط ۵ هزار ریال، قیمت يك کفش بچه گانه ۳۰۰۰ ریال، رپوش دخترانه معمولی بین ۵۷۰۰ تا ۷۵۰۰ ریال، قیمت شلوار بچه گانه بین ۷ هزار تا ۱۰ هزار ریال و با احتساب قیمت لوازم التحریر و دیگر نیازهای يك دانش آموز که با تامین حداقل وسایل مورد نیاز باید مبلغی حدود ۳۵ هزار ریال بپردازد. حال اگر میزان شهریه ای را که اکثر مدارس تهران از دانش آموزان گرفته اند بر این مبلغ بیفزائیم متوجه می شوم بطور متوسط در ابتدای سال تحصیلی هر دانش آموز برای خانواده خود حدود ۵۰ هزار ریال

یادواره رفیق شهید: فیروز همجوار

براستی او توده ای شد و توده ای ماند!



رفیق شهید فیروز همجوار در سال ۱۳۲۴ در ماکو تولد یافت. دوران ابتدایی و متوسطه را با معدل بالا به اتمام رساند و وارد دانشکده شیمی شد. پس از مدتی به فرانسه رفت و چند سالی در آنجا به تحقیقات پرداخت. پس از پایان تحقیقات وارد شرکت ملی نفت ایران شد.

رفیق فیروز در جوانی پدرش را از دست داد و چون برادر بزرگتر خانواده بود سرپرستی به عهده اش قرار گرفت. با تمام علاقه و فداکاری این وظیفه را انجام داد.

صداقت و وجدان رفیق فیروز در کار باعث گردید که او را به مراتب بالاتر انتخاب کنند و به همین سبب تا زمان دستگیری مسئولیت معاونت شرکت نفت تهران را به عهده داشت.

هنگام یورش رژیم علیه حزب، رفیق فیروز در همین سمت با جسارت خاص خود از سوابق درخشان حزب دفاع می کرد. هرچند که مدت عضویتش در حزب حتی به چند ماه نرسیده بود. او اصولیت و حقانیت حزب را در مسیر زندگی اش لمس کرد. به گفته خودش عشق به انسانها، او را به این راه کشانیده بود. او می گفت:

باید توده ای شد و توده ای ماند!

علیرغم فشار بیش از حد رژیم، اعتقاد داشت که نباید خود را به دادستانی معرفی کرد، چون ما نه تنها هیچ جنایاتی انجام نداده ایم، بلکه راه ما راه همه انسان های حق طلب است.

پس از مدتی در سال ۶۲ به سراغ او آمدند و او را به کمیته مرکز مستقر در بهارستان بردند. از او خواستند که حزب را محکوم کند و تنها چند خط علیه حزب بنویسد تا او را آزاد کنند. چون به کار و مسئولیتش نیاز داشتند.

رفیق فیروز همواره می گفت:

نه! من هرگز چنین کاری نخواهم کرد. تازه پس از مدتها راهی را که سالها در جستجویش بودم یافته ام. راهی که نه تنها خوشبختی خود و خانواده ام، بلکه خوشبختی تمامی مردم و خلق های ستمدیده میهنم را دربر دارد. یعنی راه حزب توده ایران.

جلادان تا نتوانستند او را زیر ضربات مشت و لگد قرار دادند.

بعد از مدتی با سر و روی زخمی وی را به سلول های اوین انتقال دادند. رفیق در تمام مدت بازجویی به همین شکل جواب می داد. وقتی از او پرسیدند:

آیا هنوز هم توده ای هستی؟ جواب داد:

باید توده ای شد و توده ای ماند.

او را به بند ۳ اوین (آموزشگاه) سلول شماره ۶۸ فرستادند. او از بدو ورود به سلول با لیختند

خاص خود گفت: همه رفقا اینجا هستند. یکی از هم زنجیرانش گفت:

بله جای شما خالی بود و اولین روز ورود به سلول را با لیختندی آغاز نمود. و در تمام مدت زندان چهره ای بشاش داشت. به هر سلولی که می رفت شادی و خنده را با خود به ارمغان می برد. در سال

۶۳ به بیدادگاه احضار شد. پس از چند ساعت انتظار با چشمبند او را وارد بیدادگاه جلاذ "نیری" کردند. چشمبند را باز کردند. چهره کربه مزدوری را دید که زهر حکم اعدام صدها و صدها جوان انقلابی را امضا کرده بود. با وجود این لیختندی زد. جلاذ

"نیری" پرسش ها را آغاز نمود:

اسم...؟

- فیروز همجوار

اتهام...؟

- عضویت در حزب توده ایران

نماز می خوانی؟

- نه

نیری کمی مکث کرده و سپس پرسید: تو خجالت نمی کشی با چنین سن و سالی مجرد مانده ای؟ این از گناهان کبیره است.

رفیق فیروز جواب داد:

- نه، من به زندگی خواهان کوچکترم

اهمیت بیشتری می دهم. من سرپرست آنها بودم و مشکلات اقتصادی و وضعیت خانوادگی به من این اجازه را نمی داد که این کار را انجام دهم. من خوشبختی خود را در پرورش سالم خواهانم می دیدم.

"نیری" پرسید: آیا حزب را قبول داری؟

رفیق جواب داد: بله، مطمئناً

این جواب قاطع، جلاذ را به خشم آورد و او را به سلولش فرستاد و به سه سال زندان محکوم گردید. در طول زندان چند بار از اوین به گورهدشت فرستاده شد. بیشترین محکومیتش را در بند ۱ گورهدشت سپری کرد. این خاطره از یاد زندانیان آن دوره فراموش نخواهد شد. زیرا هر زندانی که دلش می گرفت به شوخی به "کاباره" رفیق فیروز می رفت. هر کس سوالی درباره نفت و مسائل شیمی داشت جوابش را از رفیق می گرفت. زبان فرانسه و انگلیسی را به خوبی می دانست و به هم زنجیرانش درس می داد. رفیق فیروز بیماری قلبی داشت و یکبار هم مورد عمل جراحی ریه قرار گرفته بود. ولی هرگز خم به ابرو نمی آورد.

بعد از سه سال زندان در بند یک گورهدشت، در دهام ۶۶ او را به مجددا دادگاه فراخواندند و خواستند که حزب را محکوم کند تا آزاد شود. رفیق فیروز در مقابل این خواست پاسخ داد:

"من هرگز حاضر به انجام چنین کاری نیستم.

اگر چنین قصدی را داشتم چند سال پیش می کردم!" او را به همراه رفیق شهید احمد حیدرزاده مطلق به اوین فرستادند و چند ماهی در سلول انفرادی مورد اذیت و آزار مستمر قرار دادند. اما بار دوم نیز که به بیدادگاه "نیری" رفته بود بازهم جواب داد: نه!

پس از خروج از بیدادگاه می گفت:

در چشمان نیری ترسی را با خشم آمیخته دیدم، و برای اینهم فریاد کشید: برو، پاشو برو بیرون!

در یکی از مراحل که زندانیان بند ملی کش ها آن را به هفت خوان تشبیه کرده بودند رفیق فیروز در اثر سرمای شدید بدنش حالت لرزش پیدا می کند و دچار تشنج می شود. بمدها عضلات معده و دست و پایش می گیرد و به زمین می افتد.

پس از مدتی او را به بند ملی کش ها و به اتاقی در بسته می فرستند.

در خرداد ۶۷ برای بررسی مجدد پرونده اش و عملاً به منظور تنبیه روانه زندان "گوهرکش ها" می کنند. از بدو ورود به اولین سالن زندان جلاذان با زنجیر و کابل و شلاق و چماق و دمپایی به حیوانی ترین شکلی از وی پذیرایی می کنند.

لشکری و ناصریمان مجددا وی را مورد بازجویی قرار داده و از او می خواهند که حزب را محکوم کند. او همچنان استوار و پابرجا پاسخ داد: "نمی توانم، بارها گفته ام که اگر چنین قصدی را داشتم چند سال زودتر می کردم". مجددا او را به اوین فرستادند. مدت یک ماه بود که ملاقات، تلویزیون و هواخوری را از همه زندانیان سلب کرده بودند. معلوم بود که باز برنامه ای ریخته اند. اما رفیق فیروز همچنان خندان و به دیگران نیز روحیه می داد.

صبح روز ۵ شهریور ۶۷ پاسداری در بند را باز کرد و نام رفیق شهید نوایی اسدبراهیمی را خواند. بعد از مدتی دوباره در باز شد و این بار نام رفقا همجوار و جواد محمدزاده، و چند تن دیگر خوانده شد. همه را به یک خط کردند و پرسیدند:

- آیا حزب را قبول دارید؟

همه یک صدا جواب مثبت دادند.

سپس رفیق فیروز را چشم بسته بردند و او با خنده ای بر لب از بقیه رفقاییش خداحافظی کرد. نیری مجددا از او پرسید:

- حالا چطور، بازهم حزب را قبول داری؟

رفیق جواب داد:

چند بار بگویم بله.

- آیا نماز می خوانی؟

خیر

"خواری مالی اداری" ره به جایی خواهد برد؟

غارتگران اجتماعی در چارچوب اقتصاد بازار سیاه جریان داشته و نه تنها اصلاحاتی در دستگاه اداری کشور صورت نگرفته بلکه پاره ای مقررات و قوانین ارتجاعی قرون وسطایی به قوانین متحجر جاری در ادارات افزوده شده است، هرج و مرج ویی نظمی کامل برمناسبات اداری حاکم گردیده اند که بازتاب آن را از جمله در اقتصاد ورشکسته و غارتگری بی بند و بار مردم می بینیم.

اینک بحران همه جانبه حالت انفجاری ایجاد کرده و دست و پا زدن های مذبوحانه حکام مرتجع ج.ا. افزایش یافته است، در حالی که یک سال از به اصطلاح به اجرا گذاشتن برنامه اقتصادی پنجساله می گذرد. اینک شورای عالی اداری تشکیل می دهند تا تحول در دستگاه اداری را آغاز کند.

دستگاه اداری احتیاج به سازمان یابی صحیح، قوانین و مقررات و شیوه عملکرد مترقی و مناسب، مدیریت شایسته و تکنولوژی پیشرفته دارد. و همه آن عوامل نه تنها باید وجود داشته باشند، بلکه چون سیستم اداری تابع نیازها و ضرورت های اقتصادی است باید سطح رشد همه عوامل فوق با برنامه و سطح رشد اقتصادی کشور هماهنگی و تناسب داشته باشد.

مدیریت امروزه خود یک علم است و بدون تربیت مدیران و مجهز ساختن آنان به این علم نمی توان چرخ های یک اقتصاد پیشرو را به حرکت درآورد.

مردم در دوران حاکمیت رژیم "ولایت قتیة" همانند دوران گذشته در تدوین و تنظیم قوانین و مقررات کشور نقشی نداشته اند و همیشه مجموعه قوانین جاری و ادارات مجری آن قوانین را از خود ندانسته اند و با آن، احساس بیگانگی داشته و دارند. و این ناشی از حاکمیت نیروهای غیردمکراتیک و ضد مردمی در گذشته و حال است. تنها در شرایطی این بیگانگی از بین می رود و دگرگونی در قوانین و مقررات جاری در دستگاه اداری کشور به طور واقع بینانه و مترقی ممکن می گردد که دمکراسی برکشور حاکم گردد و مردم در

پس از یک سال می گویند شورای عالی اداری تحت ریاست رفسنجانی تشکیل می شود تا به مشکلات و مضللات امور اداری رسیدگی کرده و آنها را حل کند.

دستگاه اداری با انبوه مضللات و مشکلات ناشی از قوانین و مقررات کهنه و ضد مردمی، ساختار تشکیلاتی غیرمنطقی با پیشرفت و ترقی اقتصادی - اجتماعی و همچنین ضعف مدیریت و تکنولوژی عقب مانده، دست به گریبان است.

طبق آمار دولتی دو میلیون کارمند در ادارات دولتی شاغلند. بعد از انقلاب تعداد کارمندان هم در ادارات موجود افزایش یافت و هم پیدایش سازمانها و نهادهای جدید و موازی به کمیت نیروی متحرک در دستگاه اداری کشور افزوده.

دکتر میرزایی مدیر گروه مدیریت دولتی دانشکده علوم اداری در این زمینه می گوید: "از آنجا که ساختار و روابط اداری ما یک ساختار و روابط متحجر و تثبیت شده ای است که بر سنتها، باورها و روش های قدیمی استوار است، کارایی خود را از دست داده است. ما سیستم گذشته را با انقلاب اسلامی سرنگون کردیم اما از نظر اداری حتی تمام وزارتخانه ها با همان دستگاههای عریض و طویل خود وساختارهای گذشته برجای باقی ماندند و با ایده ها، اهداف و ارزش های جدید انقلاب نیز هماهنگ نشدند و تنها به صورت طولی و عرضی اضافه شدند و گسترش یافتند" (کیهان ۶۹/۵/۲۸).

بنابراین ابزار حاکمیت رژیم شاه یعنی نهادها و وزارتخانه ها بدون تغییر در شکل و محتوای آنها یعنی بدون آنکه مقررات و روش های عمل آنها تغییری داده شود و اصلاحات و دگرگونی های لازم در ساختار تشکیلاتی آنها صورت گیرد به ابزار حاکمیت خودکامه "ولایت قتیة" تبدیل گردید.

تحول در نهادها به ابزار حاکمیت بعد از انقلاب به عنوان یکی از مهمترین امور در دستور روز قرار داشت. زیرا بدون تحول در سازمانها و نهادهای کشوری و لشکری امکان اجرای خط مشی و برنامه اقتصادی - اجتماعی نوین به سود توده های مردم نیست.

اینک نزدیک به ۱۲ سال از انقلاب گذشته است و هیچگونه بهسازی جدی اقتصادی به سود توده های مردم صورت نگرفته، هیچگونه برنامه اقتصادی مشخص به اجرا گذاشته نشده، غارت بی بند و بار مردم به دست تجار و انواع

تعیین سرنوشت خود نقش شایسته ایفا کنند. بدون بررسی سطح رشد اقتصادی - اجتماعی کشور، وضع نیروی انسانی ماهر و نیازهای رشد جامعه به عوامل فرهنگی نمی توان از تکنولوژی مناسب و همخوان در دستگاه اداری استفاده کرد.

یکی از اساتید دانشکده حقوق دانشگاه تهران می گوید: "در بسیاری موارد استفاده از تکنولوژی پیشرفته (از جمله کامپیوتر) در ایران به جای سرعت بخشیدن به کارها باعث اتلاف وقت می شود. تا زمانی که قشر وسیعی از جامعه را بیسوادان تشکیل می دهند ما نمی توانیم بخش هایی را به صورت مجزا با ابزارهای مجهز و پیشرفته تجهیز کنیم" (کیهان ۶۹/۵/۲۷).

در شرایطی که مجموعه عوامل سیاسی و اجتماعی مناسب برای پیشرفت و ترقی کشور نیز فراهم باشد، دگرگونی از جمله در دستگاه اداری به منظور خدمت به اقتصاد ملی و پیشرفت مستلزم کار پژوهشی جامعی است که بدون آن ایجاد تحول در دستگاه اداری کشور امکان پذیر نیست.

آقای طباطبائی، کارشناس و مدیر امور عمومی سازمان برنامه و بودجه ایران می گوید: "به جرات می توانم بگویم که در پنج سال آینده هیچ اتفاق و تغییر قابل توجهی در نظام اداری کشور ما نخواهد افتاد. زیرا کمترین تحول نیاز به حداقل دو سال مطالعه دارد و ما چنین مطالعه ای راهنوز به نحو صحیح شروع نکرده ایم. با چند حکم و دستور نمی توان نظام اداری را متحول کرد...." (کیهان ۶۹/۵/۳۰).

و این درحالی است که برنامه پنجساله اقتصادی یک سال است که شروع شده و از سوی دیگر چنانچه تحقیقات و پژوهش شروع شود و دو سال دیگر طرح جامعی برای تحول اداری فراهم گردد تازه پنج سال دیگر نتایجی به بار خواهد آورد!!

مضل اساسی امروز کشور کمبود پژوهشگر و محقق برای تدوین طرح اصلاح دستگاه اداری کشور نیست. مضل اساسی حاکمیت رژیم "ولایت قتیة" است که استبداد مذهبی، واپس گرایی و عقب ماندگی به تمام معنا با جوهر آن عجبین شده است. مضل اساسی تداوم حیات حاکمیتی است که طی سال های گذشته دشمنی آشکار خود را با توده های مردم، با پیشرفت و ترقی و رفاه و صلح نشان داده است.

بدون طرد رژیم "ولایت قتیة"، بدون تامین آزادیها و استقرار حکومت متکی بر اراده مردم، هیچگونه تحول و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ممکن نیست. همه تلاش های مذبوحانه حکام منزوی از مردم در جمهوری اسلامی جز دستکاری پراکندگی در امور اقتصادی و اجتماعی با صدور فرامین از بالا نخواهد بود. مضللات اقتصادی و اجتماعی کشور هر روز بیشتر انباشته می شود و بحران در جامعه عمیق تر و گسترده تر می گردد.

فرستادند. بدین ترتیب حیات شراقتمندان رفیق شهید فیروز همجوار ساعت ۶ روز ۵ شهریور به پایان رسید. اما راه و اندیشه اش در قلوب میلیونها انسان باقی خواهد ماند. به راستی او "توده ای شد و توده ای ماند" حتی در واپسین لحظات.

جاوید باد راه و نامش!

- آیا معاد را قبول داری؟

من به این سوالات پاسخ نمی دهم.

- شفلت چیست؟

مهندس

نیروی افزود مهندسی که معاد را

نشناسد و چیزی درباره اش نداند باید اعدام

شود.

او را به همراه رفقای بند ۲۰ و تعدادی

هم از بند ۱ به حسینیه جلال "لشکری"

بالا رفتن نرخ بهره بانکی

از شیوه های متداول کاهش نقدینگی بخش خصوصی استفاده از روش بالا بردن نرخ بهره بانکی است. دولتها در شرایط تورم از این ابزار برای کاهش نقدینگی بهره می برند. جدیداً دولت جمهوری اسلامی نیز تصمیم گرفته است نرخ بهره را از ۱۲ درصد به ۱۸ درصد برساند تا از این طریق:

- ۱- پول های سرگردان در دست مردم را با انگیزه های تشویقی به بانک ها بکشاند.
- ۲- از فعالیت شرکت های مضاربه ای جلوگیری کند.
- ۳- از تورم بکاهد.

۴- بخش مجاری از وام بانکی کمتر استفاده نماید. حال ببینیم آیا دولت می تواند به این اهداف دست یابد؟ هم اکنون در بازار بابت هر یکصد هزار تومان سه هزار تومان بهره می دهند. یعنی اختلاف یا نرخ افزایش یافته بهره بانکی هزار و دویست تومان می شود. رقم مورد اختلاف زیاد است. دارندگان نقدینگی که سالها بابت یکصد هزار تومان به صورتی کاملاً مطمئن سه هزار تومان دریافت می کردند حاضر نیستند تن به هزار و هشتصد تومان بانکی بدهند. گرچه در بازار رزمه آن وجود دارد که بابت هر یکصد هزار تومان سه هزار و پانصد الی چهار هزار تومان بهره بپردازند.

در ضمن طی گفتگویی دو تن از تاجران بازار مطرح کردند گرفتن وام از بانک برای ما ۲۱ الی ۲۲ درصد تمام می شود. چراکه اگر هزینه دریافت وام شامل:

الف) خرید سفته و تحویل آن به بانک

ب) پرداختن رشوه به کارمندان بانک را به حساب بیاوریم همان ۲۱ الی ۲۲ درصد می شود. در نتیجه ما هم که کالا را مدت دار می فروشیم ناچاریم که قیمت را گرانتر کنیم.

بنابراین دولت به هیچ کدام از چهارهدف بالا نمی تواند دست یابد. فقط مددودی از افراد فوق العاده محافظه کار حاضر به همکاری با بانکها می شوند و دولت می تواند پولهای آنها را جمع آوری کند.

بدین ترتیب، نتیجه می گیریم که استفاده از ابزارهای اقتصادی برای کاهش تورم باید دقیق و همه جانبه باشد.

توس از همه چیز

در اواخر مرداد ماه در مقابل تلفن های عمومی کرج (راه دور) گشت کمیته چندین جوان را فقط به جرم اینکه موهایشان را به طرز

جالبی آرایش کرده بودند پس از بازداشت با خود به کمیته می برند. این عمل با اعتراض پنهان مردم روبرو می شود و دخترخانمی که حدوداً ۲۶ ساله به نظر می رسید در همین رابطه سر صحبت را باز نموده و اظهار داشت که مرا به خاطر شمار دادن علیه دولت با اتهام ساختگی جاسوسی گرفتار نموده بودند و چون با شخص سپاهی درگیر شده بودم به مدت دو ماه در سلول انفرادی زندانم کردند. و چون نتوانستند



فایده یافت کنند که با سازمان یا گروه و دسته ای ارتباط دارم بعد از گرفتن عکس های مختلف و امضا و تمهد نامه وانگشت نگاری از هر ده انگشت دستم، مرا آزاد کردند. این دختر خانم اظهار می داشت که هر لحظه در زندان شاهد فریادهای دخترش و گریه های طولانی بوده است. زن شصت ساله ای در مجاورت سلول او بوده که از دریچه سلول فریاد می زده و پاسداران در مقابل آزادی، تنها سکوتش را طلب می کردند ولی او چنین آزادی را نمی خواست چرا که به انتقام خون پسر و شوهرش در هرجایی این جنایات رژیم را رسوا می کرده است.

مصاحبه با ...

● در گفتگویی با جوانان ۲۰ تا ۲۵ ساله درباره گرانی پاسخ آنها صریح بود: این رژیم به هیچ عنوان قادر به مهار تورم نیست. آنها مخالف رژیم بودند.

● در کارگاه کناشی که ۹ نفر کارگر داشت،

خیلی محرمانه

این فقط یک نمونه کوچک از ترس رژیمی است که ادعا می کنند اکثریت قاطع "امت مسلمان" از آن حمایت می کنند.

فوراً گزارش دهید!

در آخرین بخشنامه "خیلی محرمانه" وزارت کار به ادارات تابعه و کارفرمایان و مدیران، خواسته شده است در صورت مشاهده هر یک از موارد ذیل مراتب را سریعاً گزارش کنند.

- ۱- اعتراض کارگران به ساعات کار
- ۲- اعتراض کارگران به تغییر شیفت کار
- ۳- اعتراض کارگران به طرح طبقه بندی مشاغل
- ۴- درخواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل
- ۵- حوادثی مانند آتش سوزی
- ۶- توقف و یا کاهش تولید
- ۷- تعطیلی کارخانه
- ۸- اعتراض دسته جمعی
- ۹- اعتراضات در مورد تعویق در پرداخت حقوق
- ۱۰- اخراج و یا تعلیق کارگر یا کارگرانی که با اعتراض سایر کارکنان مواجه می شود.

سکوت پر معنای مقامات

● پسرایت الله ملکوتی امام جمعه تبریز در اثر سانحه اتومبیل کشته شد. گویا وی قبلاً، به دختری تجاوز کرده بود. پدر دختر هم سوگند یاد می کند تا او را نکشد آرام نکیرد. که در یک فرصت مناسب پسرملکوتی را با ماشین زیر گرفت. گرچه مقامات رسمی در این باره سخن نمی گویند ولی در تبریز این حادثه سر زبانهاست.

"برنج بین المللی"

● اتحادیه امکان در تهران، از سال ۱۳۶۸ تاکنون برای هر کارگزار کارفرمایان ماهانه ۷۰۰ تومان می گیرد تا به کارگران بین کارگری برای خرید اجناس و مواد غذایی بدهد. اتحادیه امکان پول کلانی به حساب کارگران جمع آوری می کند و با این پولها به تجارت می پردازد و گهگاه چند تن هم به کارگران می دهد.

دو قطعه بن ۷۰۰ تومان ارزش دارد. ولی وقتی با این بن ها کالا خریداری می شود ارزش آنها به ۳۰۰ تومان سقوط می کند. چگونه؟ مثلاً، در مقابل ارائه بن کارگری، یک کیلو پنیر که ارزش آن ۳۵۰ تومان است تحویل می دهند، در حالی که پنیر سستی ایران هر کیلویی ۲۲۵ تومان است. یک بن دیگر را هم به یک کیلو کره تبدیل کرده اند، که کره در بازار آزاد از قرار کیلویی ۳۰۰ تومان خرید و فروش می شود.

تازه دریافت اجناس و مواد غذایی با بن اتحادیه امکان با مشکلات و مصائب فراوانی روبروست، بویژه اگر کارخانه فاقد تعاونی کارگری باشد. در فروشگاههای شهر و یا خانه کارگر به کارگران امانت می کنند. به همین سبب اکثر کارگران از دریافت بن کارگری در رنج و عذاب هستند و می خواهند تا ۷۰۰ تومان به دستمزد آنان افزوده شود تا از این گرفتاری خلاص گردند.

اتحادیه امکان که قبلاً اعلام کرده بود به کارگران اجناس و کالاهای لوکس خواهد داد، اکنون پس از مدتها فقط پنچ بن به آنها داده است. که یکی از آنها همین بن برنج است. کارگران آن را "برنج بین المللی" نام گذارده اند، زیرا از ریزه خورده انواع برنج های ایرانی، پاکستانی، هلندی و ... جمع آوری شده است.

باز هم اخراج

● کارفرمایان صنوف مختلف برای پرداخت نکردن حق بیمه و دیگر مزایا به کارگران با سابقه، آنها را اخراج و به جای آنان نیروی کار ارزان از صنوف بیکاران اجیر می کنند.

مثلاً، کارفرما باید در مقابل دوخت یک شلوار ۵۰ تومان به کارگر با سابقه بپردازد، ولی به کارگر جدید فقط ۲۲ تومان می پردازد.

● همگی خواهان سرنگونی رژیم بودند. کارگری با ۱۲ سال سابقه کار می گوید: این دولت حامی گران فروشان است.

● کارمندی با ۸ سال سابقه خدمت متعهد است که این دولت باید عوض شود. به نظر وی کارگران باید با اعتصاب متشکل دولت را وادار به استعفا کنند.

قطعنامه کمیته مرکزی ...

شوروی از دولت می خواهد که اقدامات قاطع در مبارزه علیه احتکار، جنایات رویه افزایش و حرکات افراطی به عمل آورد. باید اجرای قانون به مثابه عامل عمده تامین ثبات در کشور عمل کند.

۴- پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی خواستار برقراری تنوع اشکال مالکیت، سیستم تنوع اقتصاد و ایجاد زیرساخت بازار است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن حمایت از تنوع اشکال تاسیسات غیردولتی، برای اشکال مالکیت دسته جمعی ارجحیت قائل است.

باید برای رشد کاکتوزها، ساوخوزها و نیز فعالیت های اقتصادی روستایی و شخصی، کتوپراتیوها و شرکتها شرایط برابر اقتصادی فراهم گردد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از اندیشه واگذاری زمین یا فروش آن به مالکیت خصوصی پشتیبانی نمی کند.

۵- هزینه گذار به مناسبات اقتصاد بازار مسئله ای است اصولی. پلنوم بررسی همه جانبه و پیش بینی همه گونه نتایج اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گذار به اقتصاد بازار را دارای اهمیت فوق العاده می داند و بر آن است که باید هزینه چنین گذاری در دورانی کاملاً متحول به حداقل ممکن برسد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی خواستار آن است که شوراهای نمایندگان خلق، دولت و ارگان های اجرایی حکومت در محلها، تدابیری جدی برای تامین استقلال کامل اهالی، ایجاد یک سیستم واحد دولتی برای پیشگیری از بیکاری، آماده سازی تجدید آموزش و بکارگیری کارکنان، اتخاذ کنند. تضمین های روشن و مشخصی در حمایت اجتماعی زنان با توجه به نقش آنان در جامعه باید بوجود آید. حمایت از اقشار کم درآمد بویژه بازنشستگان، معلولان، جوانان و خانواده های پرآلود ضروری است. تدابیر دولتی به منظور تنظیم قیمتها بویژه برای کالاهای مورد مصرف عموم و اقدامات ضد تورم لازم و ضروری اند. در این رابطه سازمان های حزبی باید با اتحادیه های کارگری و دیگر سازمان های اجتماعی اشتراك مساعی کنند... حزب با تجارتهای کردن فرهنگ، دیگر عرصه های زندگی معنوی و نیز با تقلیل بودجه برای علوم، آموزش و پرورش و فرهنگ مخالفت خواهد کرد.

۶- پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن حمایت از کوشش خلق های کشور به خاطر استقلال و تعیین سرنوشت، در عین حال خواهان اتحاد یگانه حکومت های مستقل است و اقدامات ناسیونال - شوونیستی (ملت پرستی و عظمت طلبانه) و جدایی طلبانه را که موجب افزایش اختلاف بین ملتها و تشدید کننده وضع دشوار اقتصادی است و کشور ما را به ویرانی می کشاند، قاطعانه محکوم می کند...

پلنوم کمیته مرکزی برای امر ایجاد بازار واحد سرتاسری کشور به مثابه پایه مهم حیاتی اتحاد

نویس، بیشترین اهمیت را قائل است.

پلنوم طرفدار سیستم واحد پولی، بانکی، گمرکی و سیاست قیمت گذاری و مالیات است که مورد توافق همه جمهوری ها باشد.

مرکز واحد برای تامین دفاع کشور، سیاست خارجی، امنیت دولتی کشور و حل مسایل انرژی، حمل و نقل محیط زیست و نیز هماهنگی در رشته های علوم، آموزش و پرورش و فرهنگ ضرورت دارد.

۷- پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی کمیته های حزبی و کمونیستها را دعوت می کند به رشد واقعی مناسبات تولیدی کمک کنند، به توده ها توضیح دهند که راه خروج کشور و جامعه از بحران، امکان بالابردن سطح رفاه مادی زحمتکشان، وضع بیکانگی مصنوعی کارکنان از وسایل تولید در بکارگیری اقتصاد بازار است.

پلنوم به هیئت سیاسی، هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، کمیته مرکزی احزاب کمونیست جمهوری های شوروی، کمیته های منطقه ای و استانها، به همه سازمان های حزبی توصیه می کند سازماندهی و مضمون آموزش علم اقتصاد در مدارس حزبی در تبلیغات حزبی و رسانه های گروهی را دگرگون سازند...

۸- به کمیسیون نوسازی فعالیت سازمان های پایه حزبی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی توصیه شود تدابیری برای بالابردن نقش سازمان های پایه به منظور شرط عمده حاکمیت تام توده های حزبی تدوین و به مرحله اجرا بگذارند...

پلنوم اقدامات غیرقانونی را در رابطه با سازمان های پایه حزب کمونیست اتحاد شوروی و منع فعالیت کمیته های حزبی در برخی از موسسات را محکوم می کند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با استفاده از همه نیروی قوانین شوروی قاطعانه از کمونیستها و فعالان حزبی دفاع خواهد کرد.

۹- پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از رسانه های گروهی دعوت می کند که سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسئله گذار به اقتصاد بازار، ایجاد جو توافق میهنی و ملی کوشا برای کار خلاق و نظم و انضباط شراقتمدانه را آنطوری که هست توضیح دهند. به هیئت سیاسی و هیئت دبیران حزب توصیه می شود تدابیری برای حمایت و تحکیم مطبوعات حزبی اتخاذ گردد.

پلنوم خواستار حق بلاشرط سازمان های اجتماعی و سیاسی بر مالکیت خود، فعالیت های مالی و اقتصادی آنهاست و هرگونه تجاوز نسبت به مالکیت حزب کمونیست اتحاد شوروی را مردود می شمارد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از کمونیستها و همه شهروندان کشور دعوت می کند در پشتیبانی از اندیشه انتخاب سوسیالیستی، انترناسیونالیسم، دموکراسی و بشردوستی که در ۲۸ مین کنفره حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح گردید متحد شوند.

افزایش بیکاری در شرق آلمان

ماه به ماه به تعداد بیکاران در شرق آلمان افزوده می گردد. ولفگان تیرزه، معاون صدر حزب سوسیال دمکرات، اظهار داشت، در حال حاضر در اراضی شرق آلمان ۴۴۵ هزار نفر بیکارند. ۱۲۰ هزار نفر بازنشسته شده اند. ۱/۷۷ میلیون تن فقط نصف روز کار دارند. پدینسان تعداد افراد بیکار و نیمه بیکار به رقم ۲/۲ میلیون تن رسیده است.

بزرگترین تظاهرات ضد جنگ در نیویورک

بزرگترین تظاهرات ضد جنگ، پس از آغاز بحران در خلیج فارس، در نیویورک سازمان داده شد. بیش از ۲۵ هزار تن با شمارهای "فرزندان ما را باز گردانید"، "ما حاضر به کشته شدن در راه "تکراکو" (منظور کمپانی نفتی است) نیستیم"، "پول برای صلح، نه برای جنگ" در خیابانها به تظاهرات دست زدند.

صاحبان ثروت در آمریکا

مجله آمریکایی "فوربس" می نویسد، صاحبان ثروت در آمریکا فقط ۴۰۰ نفر هستند!

این مجله همچنین می افزاید، مالک شرکت تلویزیون "سی - ان - ان"، توترن در سال جاری حدود یک سوم ثروت خود را از دست داده و فعلاً صاحب "قط" ۱/۳ میلیارد دلار است. مردوک، امپراطور مطبوعات، ثروتی بیش از یک میلیارد دارد. ج. کلوک ۷۶ ساله که مقام نفت را در فهرست ثروتمندان آمریکایی همچنان حفظ کرده با افزودن ۴۰۰ میلیون دلار به ثروت خود در سال جاری، مبلغ آنرا به رقم نجومی ۵/۶ میلیارد دلار افزایش داده است. او، امپراطور سینماها، چاپخانه ها و مالک یکی از بزرگترین شرکتهای تلفن آمریکاست.

قابل توجه

خوانندگان نامه مردم

بنا به تصویب هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران "نامه مردم" از این پس دو هفته یکبار منتشر خواهد شد.

قطعه نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

درباره وضع کشور و وظایف
حزب کمونیست اتحاد شوروی در رابطه با
گذار اقتصاد به مناسبات بازار

(خلاصه شده)

۲- وظیفه عمده حزب، هر حوزه حزبی در مرحله گذار، شرکت فعال در عادی سازی وضع، رفع انفعال و تردد در اجرای مشی سیاسی ۲۸ مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی است. هر کمونیست باید شجاعانه و با اصولیت از اندیشه های حزب، اندیشه های اکتبر و آرمان های سوسیالیستی و ارزش های عموم بشری بخوبی دفاع کنند.

پلنوم بویژه خاطرنشان می سازد که تغییر به سوی بهبودی وضع تنها برپایه همکاری و عمل مشترک تمام نیروهای واقعا دموکراتیک کشور میسر است. پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به همه نیروهای اجتماعی، به همه کسانی که حال آینده میهن ما برایشان عزیز است مراجعه کرده و از آنها دعوت می کند، که نیروهای خود را در جهت تامین توافق ملی و میهنی بسیج کنند.

۳- کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مفهوم اساسی گذار به اقتصاد بازار را در آن می بیند که در چارچوب انتخاب سوسیالیستی، زندگی مردم قبل از هرچیز بهبود یابد. ابتکار و فعالیت عمل آنها آزاد گردد، انگیزه ها و علائق واقعی برای کار ثمربخش تامین شود...

تغییر وضع بازار مصرف و رفع کمبود کالاهای مورد نیاز عموم وظیفه درجه اول در آینده نزدیک است... پلنوم از نمایندگان کمونیست دعوت می کند که فعالانه تر خط مشی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در شوراهای نمایندگان خلق به اجرا درآورند و از حق حزب در بکارگیری ابتکارات قانونگذاری جدی تر استفاده کنند...

به کمیسیون دائمی سیاست اقتصادی - اجتماعی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سپرده شود، که لویح برنامه ای و بودجه سال ۱۹۹۱ را به مقصد ارائه پیشنهاداتی به شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بررسی کند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی وضع کشور و وظایف حزب در رابطه با گذار اقتصاد به مناسبات بازار را بررسی کرد و ضرور می داند که مواضع خود را نسبت به این مسئله مهم و حیاتی به اطلاع کمیته های حزبی، سازمان های حزبی و به همه کمونیست های کشور برساند.

۱- در جامعه تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی - اقتصادی رویه گسترش است. روند وسیع دموکراتیزه شدن، جریان دارد.

ولی امر تثبیت آنچه نو و متمرقی است در شرایط بفرنج بحران عمیق شونده سیاسی و اقتصادی عملی می شود. فروپاشی ارتباطات اقتصادی، عکس العملی زنجیره ای به بار می آورد، از حجم تولید و درآمد ملی کاسته می شود. در کشور کمیابی کالا حکمفرماست. احتکار بیشتر و قیمتها رویه افزایش است. آتش کانون های نزاع و اختلاف بین ملتها خاموش نمی شود، بر میزان جنایات افزوده شده است.

اقدامات ویرانگرانه رویه فزونی است؛ پناهای یادبود لنین زیر آماج شوروی ستیزی و ناسیونالیسم ویران می شوند و گور نظامیان شوروی مورد بی احترامی قرار می گیرد. اهانت و بهتان نسبت به کمونیستها دامن زده می شود.

پلنوم مصرانه قطع این قبیل اعمال و تصویب قراردادهای دولتی مربوطه را طلب می کند. شرکت کنندگان در پلنوم نسبت به تلاش نیروهای ضد کمونیست و ناسیونالیست و تجزیه طلب که می خواهند حزب کمونیست اتحاد شوروی را از زندگی سیاسی کشور برکنار و آن را غیرقانونی کنند، اعتراض می کنند.

هیئت سیاسی، هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمیته های حزبی موظفند که اقدامات نظیر را که نسبت به اهداف انسانی و دموکراتیک کردن حکومت و اجتماع بیگانه اند به موقع ارزیابی و با آنها مقابله کنند. مبارزه با کمونیسم ستیزی و اقدامات ویرانگر نیروهای افراطی را شدت دهند...

در لبنان
چه می گذرد؟

پس از حمله ارتش سوریه به نیروی مسلح ژنرال آتون و فرار ژنرال به سفارت فرانسه در بیروت، جنگ میان طرفداران ریاست جمهوری لبنان و ژنرال فراری پایان یافت. هم اکنون جمع آوری مین های کارگذاری شده در "خط سبز" میان دو بخش مسیحی نشین و مسلمان نشین آغاز شده است. نیروهای مسلح لبنان و سوریه سنگرهایی را که گروه ژنرال آتون برپا کرده بودند، ویران می کنند.

با وجود این اخبار منتشره نشانگر ادامه وضع وخیم در لبنان است. مثلا، خبرگزاری فرانس پرس خبر می دهد که دولت فرانسه از دبیرکل سازمان ملل متحد خواسته تا "فورا در جریاناتی که در لبنان می گذرد"، دخالت کند. به گفته سخنگوی وزارت خارجه فرانسه در بیروت کشتار هواداران ژنرال آتون ادامه دارد. در عین حال خبرگزاریها، خبر از دزدی و غارت "حزب الله" لبنان می دهد. "حزب الله"ها که از جانب جمهوری اسلامی ایران حمایت می شوند، به مناطق آزاد شده مسیحی نشین وارد شده و به دزدی و غارت و آدمکشی مشغولند. حزب اللهی های شهر بعلبک نیز در این مناطق به غارت سوپرمارکتها و منازل دست زده اند.

روزنامه معتبر "النداء"، می نویسد که گام بعدی پس از سرکوب گروه بندی آتون، باید گسترش نفوذ حاکمیت به دیگر نقاط کشور و حل مضلات حاد اقتصادی و اجتماعی و بهره گیری از همه امکانات برای آزاد کردن اراضی اشغالی توسط اسرائیل باشد.

به رادیو
صدای زحمتکشان ایران
گوش فرا دهید!
و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان
خود توصیه کنید!

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 335

October 30 1990

ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden

2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich

نامه
مردم

بها: ۲۰ ریال